

مصنویت شهری: برنامه بازبینی بنای صلح شهری در افغانستان

مقدمه

مصنویت شهری مفکوره نسبتاً نوینی در محیط پالیسی، برنامه ریزی شهری برون و درون بودجه ملی و قواعد و رویه های اداری در افغانستان است. رشد سریع شهرنشینی طی ۱۶ سال گذشته موجب آسیب پذیری ها، محرومیت ها و ناامنی های مشخصی شده است. بافت اجتماعی شهری که در گذشته وجود داشت و متضمن همبستگی نسبی و حس امنیت بود، در اکثر مراکز شهری عمده کشور از هم پاشیده است. در نتیجه، مصنویت زنان و جوانان در معرض خطرات معینی قرار گرفته است. اکثر شهرهای عمده، شهرک های غیررسمی و کمپ های بیجا شدگان داخلی را در خود جای داده است. شهروندان اغلب در بهبود مصنویت شهری مشارکت نمی کنند. ظرفیت ارائه خدمات شهری با رشد شهرنشینی منطبق نبوده و پالیسی های حکومتداری شهری کماکان در حال تدوین است.

شورای عالی انکشاف شهری یک برنامه ملی اولویت شهری را در اواخر سال ۲۰۱۶ ایجاد کرد که اکنون به حیث رهنمای برنامه و پالیسی در سکتور شهری طی دهه پیشرو عمل می کند. برنامه ملی اولویت شهری عبارت است از دستور کاری که مستلزم سعی و تلاش بیشتر در جهت تأمین شمولیت، رشد و ثبات میباشد. این برنامه سه رکن دارد: تحکیم حکومتداری و نهادهای شهری، تأمین مسکن کافی و ارائه خدمات شهری اساسی برای همه و تقویت اقتصاد و زیربنای شهری. برنامه ملی اولویت شهری، موضوع مصنویت شهری را به عنوان یک دستورکار اصلی در برنامه ریزی و طراحی مکانی شهری تعیین کرده است. رویکرد حکومتداری این برنامه بر مشورت با اجتماعات شهری و مشارکت آنها در طرح برنامه های امنیتی و مصنویتی و ایجاد کمیته های فرعی امنیت و مصنویت در چهارچوب بوردهای مشورتی شاروالی ها تأکید دارد.

برنامه بنای صلح شهری در افغانستان یک ابتکار پیشتاز برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد است که از اوایل سال ۲۰۱۵ بر مصنویت و امنیت شهری در هشت ولایت کشور تمرکز دارد. این برنامه به تکمیل خلاء چالش آفرین ظرفیت در ارائه خدمات و رفع محدودیت مشارکت شهروندان می پردازد. برنامه بنای صلح شهری در افغانستان بر این فرضیه نظریه لیبرال مبتنی است که دولت نمی تواند بدون قرارداد اجتماعی عمل کند. در نتیجه، دولت با اجتماعات و شاروالی ها به منظور ایجاد همکاری در بین آنها و ارتقای مشارکت آنها در برنامه ریزی و ارائه خدمات کار می کند. نظریه تغییر در برنامه بنای صلح شهری در افغانستان بر این فرضیه استوار است که اداره محلی و جوامع می توانند باهم در راستای تأمین مصنویت و امنیت در ساحات شهری اعتماد کنند.

هدف این پالیسی نامه، تلخیص یافته ها و پیشنهادهای بازبینی مرحله اول اجرای برنامه بنای صلح شهری در افغانستان است که از سوی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان و انستیتوت مطالعات انکشافی انجام و از جانب اداره همکاری انکشافی سوئیس تمویل گردیده است.

روش شناسی

مرور اسناد، برنامه ها و آثار موجود در زمینه حکومتداری شهری در افغانستان امکان شناسایی مسائل و سؤالاتی را فراهم آورد که طی مصاحبه با دست اندرکاران کلیدی (در کل ۱۲ مصاحبه با تمویل کنندگان، مقامات حکومت و شرکا) و دو بحث گروهی متمرکز با مستفیدشوندگان مورد بررسی بیشتر قرار گرفت. مطالعه کتابخانه ای شامل آثاری چون اسناد پروژه، گزارش های عملیاتی و سالانه، سرویهای مبنایی، تفتیش های بیرونی، مواد مربوط به پوشش رسانه ای و انکشاف ظرفیت، اسناد پالیسی، گزارش های تحقیقی و سرویهای ملی می شد. با این کار تیم تحقیق توانست تا نحوه جمع آوری و استفاده از داده ها در اجرای برنامه را تجزیه و تحلیل کند. چشم گیر بودن حجم آثار موجود نشان دهنده جنبه های گوناگون حکومتداری شهری، قوت ها و ضعف های برنامه ها و چالش هایی است که باید برای رفع آنها اقدام شود. مرور این آثار همچنین نشان میدهد که مصنویت و امنیت شهری، موضوعات وسیعی هستند که یک رویکرد جالب برای بسیاری از مداخله ها در عرصه حکومتداری شهری به شمار میروند.

یافته های کلیدی

ارتباط با پالیسی: رویکرد، اهداف و بازده های برنامه بنای صلح شهری در افغانستان مرتبط بوده و با پالیسیهای فعلی خصوصاً چهارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان، برنامه شهری دارای اولویت ملی و تا حدی میثاق شهروندی در ساحات شهری منطبق می باشد. رویکرد اجتماع محور که بر تأمین فراگیری اجتماعی - زنان، جوانان و بیجاشدگان داخلی - تأکید میوزرد و با سطوح بالاتر شهری (شوراهای گذر و برنامه های نواحی) مرتبط است، به اجرای اهداف پالیسی حکومت افغانستان کمک می کند.

ادغام آموخته ها: بر علاوه، برنامه بنای صلح شهری در افغانستان آموخته ها از برنامه همبستگی ملی، تجربه قبلی خود این برنامه در زمینه همبستگی شهری و دیگر برنامه های شهری را مدغم کرده است. بنابراین، این برنامه الگویی را برای برنامه های آینده در عرصه انکشاف شهری ایجاد می کند که در برنامه ریزی مبتنی بر اجتماع و مرتبط با برنامه ها و طراحی سازمانی در سطوح ناحیه و کل شهر متکی است.

گسترش دیدگاه ها درباره مصونیت و امنیت: برنامه بنای صلح شهری در افغانستان توانسته است نگرش های پولیس، اجتماعات و تصمیم گیرندگان پالیسی درباره مصونیت و امنیت شهری را فراتر از جنبه پالیسی آن ارتقا دهد. این برنامه، امنیت را به حیث یک مفکوره تعریف شده از بالا به پایین که اغلب نقش شورشگری مسلحانه به جای مسائل نرم تر مربوط به نیازهای اجتماع در آن برجسته می شود، به چالش کشیده است.

خدمت عینی به مصونیت شهری: برنامه بنای صلح شهری در افغانستان یک رابطه قوی میان پروژه های زیرساختی مشخص کوچک تا متوسط و مصونیت شهری ایجاد کرده است. مصونیت شهری غالباً یک ایده انتزاعی است. با این حال، رویکرد این برنامه در تشخیص مشکل و ارائه راه حل های انکشاف زیربناها از منظر یک اجتماع معین در عینیت بخشیدن به مفکوره مصونیت شهری بسیار مؤثر بوده است. بنابراین، برنامه صلح پروری در شهرهای افغانستان یک دستورکار کارآمد را برای تأمین امنیت بشری در ساحات شهری ارائه می دهد.

افزایش نوآوری: مشارکت و سهم گیری فعال اجتماعات در طرح و اجرای پروژه های زیرساختی اغلب امکان افزایش ابتکار و نوآوری در پروژه ها را فراهم آورده و در نتیجه، تدابیر مصونیتی مخصوص زنان، اطفال، موظفین شاروالی، پولیس و غیره گسترش یافته است. این تمهیدات شامل ایجاد جاهای نشستن در نقاط مشخص، اعمار اماکن تفریحی و ورزشی برای زنان و اطفال، نصب چراغ بر سر در خانه ها، ساختن پارک های فامیلی، ایجاد ساحات مختلط برای مردان و زنان و یا اختصاص پارک ها / مراکز به زنان، تعریض سرکها به خاطر تسهیل گزیمه پولیس و غیره می شود.

ارتقای همبستگی و همکاری در اجتماع شهری: این تحقیق به شواهدی دست یافت که همبستگی شهری در ساحاتی ایجاد شده است که افراد از گروه های مختلف جغرافیایی، زبانی و قومی در آن ساکن شده اند. برنامه صلح پروری در شهرهای افغانستان همچنین سطح اعتماد میان اعضای اجتماع اعم از مردان و زنان را که قبل از اجرای این برنامه تعامل محدودی باهم داشتند، ارتقا داده است. این امر اجتماع را در رابطه با مأمورین شاروالی و پولیس توانمند ساخته است. زنان و دختران صداها و عرصه هایی برای سهم گیری در تمهیدات مصونیتی و کسب مصونیت پیدا کرده اند. سطح همکاری در میان اعضای اجتماع افزایش یافته است. به طور مثال، نمایندگان اجتماع توانسته اند با بعضی از مردان جوان به منظور خودداری از آزار و اذیت دختران و زنان بر روی سرک کار کنند. همکاری در میان اجتماعات نیز در حالتی بیشتر شده که پروژه هایی نظیر آبرسانی موجب وابستگی متقابل آنها شده است.

افزایش همکاری با موظفین شاروالی و پولیس: مصاحبه ها و مستندات به وضوح نشان می دهد که همکاری بین اجتماعات و مأمورین اداره محلی بهبود یافته است. در نتیجه مشورت ها و دیگر تعامل ها، اعضای اجتماع توانسته اند تا با مأمورین پولیس در نواحی، موظفین تنظیف شاروالی ها و غیره در تماس شوند. از سوی دیگر، مأمورین پولیس از نمایندگان اجتماع تقاضا کرده اند تا به آنها در گزیمه بهتر سرک ها مخصوصاً با نصب چراغ بر سر در خانه ها کمک کنند. سرانجام، شواهد گفت و شنود حاکی از آن است که رشوه ستانی موظفین پایین رتبه پولیس و شاروالی به خصوص آنهایی که مسئول تجویز امور ساخت و ساز هستند، پس از آن متوقف شده است که رهبران اجتماع مجاری ارتباطی منظمی را با سطوح عالی تر پولیس و شاروالی برقرار کردند.

کارآمدی در ارائه خدمات و پاسخگویی مقامات: در یک مورد، نوآوری از لحاظ تخصیص نقاط مشخصی به جمع آوری زباله های جامد، موجب ارتقای سطح کارآمدی و پاسخگویی موظفین شاروالی گردید. تخصیص این نقاط در ابتدا یک حس مسئولیت را در میان خانوارها ایجاد کرد، زیرا آنها دیگر آشغال خود را به هر طرف نمی انداختند. رهبر این اجتماع مسئولیت داشت تا هنگام پر شدن این نقاط از زباله ها با موظفین شاروالی در تماس و خواستار اقدام آنها شود. مشارکت اجتماع باعث شد تا موظفین ناحیه مربوطه اقدام به انتقال زباله ها کنند. روند کاری موظفین شاروالی نیز بهبود یافت، زیرا دیگر مجبور نبودند تا زباله ها را از نقاط مختلف جمع آوری کنند. در مجموع، بهبودهای زیربنایی، اغلب به دسترسی بهتر مقامات ارائه دهنده خدمات (امبولانس، گزیمه پولیس، اطفائی و غیره) به اجتماعات منجر شده است.

نهادسازی و پایداری: برنامه بنای صلح شهری در افغانستان یک برنامه خارج از بودجه ملی است. اگر قرار باشد این یک برنامه درون بودجه ملی باشد، شاروالی ها که مجریان کلیدی این برنامه خواهند بود، با چالش های قابل ملاحظه ای از لحاظ تمویل ارائه خدمات، اداره، نظارت، روابط عامه و پاسخگویی روبرو خواهند شد. برنامه صلح پروری در شهرهای افغانستان تاکنون بر ظرفیت سازی به وسیله آموزش مقامات از طریق برگزاری کارگاه هایی که به ظرفیت سازمانی منتج نخواهد شد، تمرکز چندانی نداشته است. با این وجود، مشارکت شاروالی ها در اجرای این برنامه، با وجود تفاوت ها در شهرهای مختلف، در کل مناسب بوده است. در ضمن، این برنامه روند نهادسازی را مثلاً از طریق تشکیل بوردهای مشورتی شاروالی ها آغاز کرده است. با این حال، نهادینه کردن اهداف این برنامه در چهارچوب شاروالی ها مستلزم برداشتن گام های بیشتری خواهد بود. رابطه هایی با شاروالی ها جهت تأمین بودجه حفظ و مراقبت پروژه های زیرساختی در آینده برقرار شده است. با این همه، پایداری این برنامه مسئله ای است که به ملاحظه و بررسی بیشتری نیاز دارد.

کاهش ننگ اجتماعی و مسائل حیثیتی: ننگ و عار اجتماعی ناشی از ناامنی شهری مختص به ساحات یا نفوس مشخص به طور متداوم از بین رفته است. پاسخ دهندگان اظهار داشتند که ساحاتی که ناامن دانسته می شد، حیثیت خود را از لحاظ مصونیت این ساحات در نتیجه بهبودهای حاصله از اجرای برنامه صلح پروری در شهرهای افغانستان ترمیم کرده و این امر موجب بازگشت خانوارهایی شده است که قبلاً از این ساحات متواری شده بودند.

مصونیت شهری به حیث محرک رشد اقتصادی: بسیاری از پاسخ دهندگان گفته اند که فعالیت اقتصادی در نتیجه افزایش مصونیت شهری رونق گرفته

و شکوفا شده است. سرک‌هایی که روشن هستند، غالباً به عرصه‌ای برای زندگی اجتماعی تبدیل می‌شوند - امری که قبلاً وجود نداشته است. در نتیجه، دکانها، رستوران‌ها، فروشندگان نوشیدنی و آیسکریم، دواخانه‌ها و مراکز آموزشی می‌توانند برای ساعات بیشتری فعالیت کنند و خانواده‌ها می‌توانند به دختران و پسران شان اجازه دهند تا شب دیرتر به خانه بازگردند. با این وجود، رابطه میان رشد و مصنوعیت شهری کماکان مستلزم پژوهش بیشتر است.

مصنوعیت شهری مستلزم تغییر ذهنیت است که وقت می‌گیرد: مشارکت شاروالی‌ها در برنامه صلح پروری در شهرهای مختلف افغانستان، متفاوت بوده است. هر چند محیط پالیسی حامی هدف و رویکرد این برنامه است، ولی رویه‌های اداری اغلب با تعریف مصنوعیت از دیدگاه اجتماع تضاد دارد یا علیه آن مقاومت می‌کند. موظفین شاروالی‌ها غالباً نمی‌خواهند با گروه‌های آسیب‌پذیری چون بیجاشدگان داخلی به دلیل ترس از مشروعیت بخشی به شهرک‌های آنها کار کنند. بعضی از شاروالان تا حدی علیه تشکیل بوردهای مشورتی شاروالی‌ها مقاومت کرده‌اند، حال آن‌که این بوردها جزء لاینفک طراحی برنامه‌های نظیر برنامه صلح پروری در شهرهای افغانستان هستند. ناامنی شهری اغلب بیشترین تأثیر را بر زنان دارد. با این حال، شاروالی‌ها فاقد کارمندان زن هستند و پاسخگویی کمتری نسبت به نظریات و مطالبات زنان دارند. برقراری تماس با پولیس غالباً به اقداماتی که مطابق با انتظارات زنان از مصنوعیت شهری باشد، نمی‌انجامد.

پیشنهادها

تعمیم موضوع مصنوعیت شهری در برنامه ریزی شهری: مصنوعیت شهری اکنون در پالیسی شهری درج شده است، اما باید در برنامه‌های شهری برون و درون بودجه شمولیت یابد. ملاحظات مربوط به مصنوعیت، نقش محوری را در ایجاد اعتماد میان شهروند و دولت دارد و این هدفی است که اکثر برنامه‌ها به دنبال تحقق آن هستند. برنامه صلح پروری در شهرهای افغانستان، آموخته‌هایی را ارائه می‌دهد که می‌توان آنها را در بسیاری از برنامه‌ها مدغم کرد.

جستجوی رابطه میان مصنوعیت شهری و انکشاف: رابطه متقابل میان مصنوعیت شهری و انکشاف تا کنون در افغانستان مورد بررسی قرار نگرفته است. برای تثبیت رابطه آنها و جمع‌آوری شواهد در این زمینه، نیاز به تحقیقات بیشتر می‌باشد.

جستجوی رابطه میان آموزش و مصنوعیت شهری: برخی شواهد از این بازبینی به دست آمد که نشان می‌دهد که فرصت‌های یادگیری مخصوصاً از طریق افزایش وقت و فضا برای نسل جوان بیشتر شده است. این امر که هر خانوار چراغی را بر سر در خانه اش نصب کرده، اغلب نتیجه این توقع است که اطفال بتوانند به صفوف آموزشی خود دیرتر در شب رفت و آمد داشته باشند. با این حال، تثبیت رابطه میان دسترسی به آموزش و مصنوعیت شهری مستلزم تحقیق معتبر است.

مطالعه پیوند میان مصنوعیت شهری و ارائه خدمات: این بازبینی نشان می‌دهد که ارائه خدمات منظم تر و کارآمدتر و مقامات پاسخگوتر شده‌اند. این جنبه برنامه باید در رابطه با هر اجتماع جستجو و مطالعه شود.

مصنوعیت شهری و تولید عواید: این بازبینی همچنین به شواهدی دست یافت که نشان می‌دهد پروژه‌های مصنوعیت شهری به ثبت خانه‌ها در شاروالی‌ها انجامیده و بنابراین، مبنای اخذ مالیات گسترش یافته است. این رابطه باید فراتر از موارد یا قضایای انفرادی جستجو شود.

استفاده بهتر از تکنالوژی معلوماتی: در برنامه ریزی آینده باید استفاده بهتری از تکنالوژی معلوماتی خصوصاً در رابطه با جوانان شهری و نیز حکومت افغانستان به عمل آید. جوانان شهری اکنون به صورت منظم از رسانه‌های اجتماعی و تکنالوژی‌های دیجیتال استفاده می‌کنند و حکومت افغانستان نیز اقداماتی را در زمینه مشارکت دولتمداری باز و قانون حق دسترسی به اطلاعات روی دست گرفته است. می‌توان از تکنالوژی برای مقابله با آزار و اذیت بر روی سرک، گزارش دهی جرایم، تقاضای اقدام شاروالی در زمینه‌های مربوطه، بهبود ارائه خدمات یا دریافت نظریات اصلاحی کار گرفت.

ادغام بهتر جوانان و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر در جامعه: نفوس جوان در ساحات شهری بیشتر از ساحات روستایی است. این قشر با چالش‌های مشخصی به لحاظ مصنوعیت شهری روبرو است که نمیتوان به همه این مشکلات فقط از طریق رویکرد اجتماع محور رسیدگی کرد. به طور مثال، نفوس جوانانی که به خاطر تحصیلات عالی یا یافتن مشاغل به شهرها می‌آیند، اغلب در لیلیه‌ها یا اماکن خارج از محوطه اکادمیک ساکن می‌شوند. این وضعیت در رابطه با بیجاشدگان داخلی نیز صدق می‌کند. بنابراین، این گروه‌های آسیب‌پذیر ضرورت به ادغام بهتری از طریق طرح و اجرای برنامه‌هایی دارند که نیازهای آنها را تأمین و آسیب‌پذیری‌هایشان را رفع می‌کند.

اطلاع‌رسانی بهتر در مورد پیامد و استعداد برنامه‌های مصنوعیت شهری: برنامه بنای صلح شهری در افغانستان و برنامه‌هایی از این قبیل، باید اطلاع‌رسانی بهتری را در خصوص پیامد و استعداد مصنوعیت شهری در توانمندسازی دیگر اجتماعات یا مقامات حکومتی در کسب آگاهی و اتخاذ استراتژی‌های مشابه انجام دهد.

ابتکار در ظرفیت‌سازی: برنامه‌های مصنوعیت شهری به درک مأمورین شاروالی و پولیس از این مفکوره و ادغام آن در کارشان بستگی دارد. مساعی کنونی، ظرفیت‌سازی را به مفهوم ضعیف و غیر موثر آموزش‌ها محدود نموده است. برنامه‌های آینده باید راه‌حل‌های مبتکرانه‌ای را در همکاری با حکومت به منظور ایجاد ظرفیت بشری و سازمانی در زمینه مصنوعیت شهری در نهادهای مربوطه پیدا کند.

حفظ ظرفیت سازمانی برای مصنوعیت شهری: برنامه بنای صلح شهری در افغانستان میتواند یک روند اجرایی تقریباً کامل را در تعدادی از شاروالی‌ها از طریق ایجاد ظرفیت سازمانی و بشری و نظارت بر مقامات شاروالی آزمایش کند و بدین ترتیب از ظرفیت‌سازی و آموزش سازمانی در مقیاس کوچک فراتر رود، اما کنترل بر وظایف اداری و نظارتی را دست‌کم‌الی کاهش چالش‌های مرتبط با اعتماد در شاروالی‌های مربوطه حفظ کند. آموخته‌های این پروژه امتحانی می‌تواند در بسط و گسترش برنامه مورد استفاده قرار گیرد.

گسترش حیطه مصنوعیت شهری: برنامه صلح پروری در شهرهای افغانستان توانسته است خطرات متعدد فراراه تأمین مصنوعیت را شناسایی کند. با این وجود، بسیاری از این خطرات نظیر استفاده از کیبل‌های برق بدون روکش یا واقعات انفجار کپسول‌های گاز برجسته نشده است. بر علاوه، ممکن است

آموزش اجتماعات درباره خطرات مصئونیت محیطی که کمتر ملموس هستند اما راه حل های محلی می تواند برای رفع آنها مؤثر واقع شود، ضروری باشد. طرح روش های قانع کننده برای ارزیابی تأثیرات برنامه: برنامه های مصئونیت شهری به ویژه برنامه بنای صلح شهری در افغانستان نیازمند جستجوی راه هایی برای جمع آوری داده های معتبر درباره نتایج پروژه های مصئونیت شهری خواهد بود. به طور مثال، در این برنامه ها میتوان در جهت ارزیابی تأثیرات پروژه های مصئونیت شهری بر وسعت ارائه خدمات یا سطح فعالیت اقتصادی و اجتماعی قبل و بعد از اجرای پروژه ها تلاش نمود.

ارتقای انسجام برنامه ها: چندین برنامه در عرصه حکومتداری شهری وجود دارد که باید به طرز مؤثری هماهنگ و منسجم شود. بسیاری دست اندرکاران از جزئیات کار تمامی این برنامه ها آگاهی ندارند. دست اندرکاران میتوانند در جلسات یادگیری گرد هم آیند. گروه کاری تخنیک می تواند بیش از پیش تشکیل جلسه دهد و مانند یک عرصه هماهنگی و انسجام آنلاین که داده های آن از سوی برنامه ها تأمین شود، عمل کند. میتوان در این برنامه ها از داده های جغرافیایی-مکانی استفاده کرد و این معلومات را در یک پایگاه داده ها متمرکز ساخت. حداقل، تجدید معلومات، این مسئله را که چه کسی چه کاری را چه زمانی و در کجا انجام می دهد، روشن خواهد ساخت.

نظریاتی که در این مقاله ابراز گردیده مربوط به نویسنده می باشد و منعکس کننده نظریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، SDC و IDS نمی باشد.

۱۸۰۲D

کد نشریه:

سید رضا کاظمی

مترجم:

در باره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان:

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یک نهاد مستقل تحقیقاتی مستقر در کابل می باشد که در سال ۲۰۰۲ با همکاری جامعه بین المللی در افغانستان تأسیس گردید. هدف واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان انجام و عرضه تحقیقات با کیفیت عالی، مبنی بر شواهد، مرتبط با پالیسی و انتشار نتایج حاصله آنها و همچنان ترویج فرهنگ پژوهش و مطالعه می باشد.

طبق گزارش دانشگاه پنسیلوانیا، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان منچیت یک نهاد پژوهشی دارای جایگاه عالی در افغانستان بوده و در بین نهاد های پژوهشی در آسیای میانه در رده پنجم قرار دارد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققان و دانشجویان به منظور تحقق اهداف خویش ارتباط برقرار می نماید تا استفاده از نشرات مبنی بر شواهد و کتابخانه این واحد ترویج یافته، ظرفیت تحقیقی آنها تقویت شده و فرصت ها برای بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و تحلیل ها ایجاد گردد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان توسط هیأت مدیره اداره می شود که متشکل از نمایندگان ادارات تمویل کننده، سفارتخانه ها، سازمان ملل متحد و دیگر سازمان های چندجانبه، جامعه مدنی و کارشناسان مستقل می باشد.

تمویل کنندگان برنامه ها:

تمویل کنندگان این اداره شامل نهاد انکشافی بین المللی سویدن (SIDA) و نهاد های بین المللی ذیل میباشد:

The European Commission (EC), United States Institute of Peace (USIP), Norwegian Institute of International Affairs (NUPI), Overseas Development Institute (ODI-UK), Promundo (US), Sustainable Development Policy Institute (SDPI), Regional Environmental Centre for Central Asia (CAREC), Institute of Development Studies (IDS) and Swiss Agency for Development and Cooperation (SDC), School of Oriental and African Studies (SOAS), Economic and Social Research Council United Kingdom (ESRC-UK) and South Asian Association for Regional Cooperation (SAARC).

همچنان این اداره عضویت شبکه های جهانی ذیل را دارا میباشد:

Leveraging Agriculture for Nutrition in South Asia (LANSA), Resolve Network, Secure Livelihoods Research Consortium (SLRC), Global Challenges research Fund (GCRF), A Conflict Sensitive Unpacking of The EU Comprehensive Approach to Conflict and Crisis Mechanism (EUNPACK), Environmental Natural Resources Monitoring Network (ENRMN), Mining Watch Afghanistan